

روسیه و غرب در ۲۰۱۶؛ افزایش تنش‌ها



تقویم سیاسی روسیه و آمریکا بیانگر احتمال بالای تعارض میان این دو قدرت است. همه نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا دیدگاهی رادیکال نسبت به روسیه دارند. در این فضا، انتظار افزایش سطح تعامل میان آمریکا و روسیه در سال آینده بعید به نظر می‌رسد.

آران نیوز: سال 2015 توام با هنجاری جدید در رابطه متقابل روسیه و غرب بود؛ تعارض سیستماتیک به همراه موارد محدود همکاری. در مقایسه با سال 2014 که اشغال کریمه، سقوط هواپیمای مالزیایی، بحران شرق اوکراین و تحریم اقتصادی روسیه در آن بوقوع پیوست، سال 2015 را می‌توان سالی آرام‌تر ارزیابی کرد. این سال با گفتگوهای مینسک-2 با هدف کاهش تنش‌ها در شرق اوکراین آغاز شد و در ادامه با مذاکرات بر سر دست یافتن به راه حل سیاسی در سوریه ادامه پیدا کرد و به توفیق در توافق هسته‌ای با ایران ختم شد. آیا این سطح از تعامل و دیپلماسی را می‌توان نشانه‌ای دال بر افزایش همکاری‌ها در سال آینده تلقی کرد؟ با نگاه واقع‌بینانه به موضوعات فی‌مابین طرفین و اختلاف نظرهای موجود پاسخ به این سوال مثبت به نظر نمی‌رسد.

در وهله اول، ریشه‌های اختلاف میان روسیه و غرب باید مورد توجه جدی قرار بگیرد. شکاف میان ادراک طرفین در حال افزایش است. عمده سیاستگذاران آمریکا و اتحادیه اروپا، روسیه را به عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب می‌بینند که در صدد به چالش کشیدن نظم بین‌المللی و اصول غربی آن است. نگاه غرب به پوتین، به مثابه یک دیکتاتور است که به سرکوب جامعه مدنی در داخل و بر هم زدن ثبات در کشورهای همسایه خود می‌پردازد.

روسیه، آمریکا را به مثابه بازگیری می‌بیند که از همه ابزارهای ممکن برای حفظ سلطه در حال افول خود استفاده می‌کند و سعی دارد برای قدرت‌های در حال ظهور، مانند روسیه و چین با استفاده از انقلاب‌های رنگی مشکل ایجاد کند و خاورمیانه را به آشوب بکشد. مسکو تحریم‌های غرب علیه خود و شکل‌دهی به بلوک‌های اقتصادی مانند بلوک ترانس پاسیفیک را سلاحی علیه خویش می‌بیند. عدم وجود اعتماد سیستماتیک میان رهبران و جامعه غرب از یک طرف و رهبران و جامعه روسیه از طرف دیگر، مانع از به وجود آمدن دیالوگ جامع و همه‌جانبه میان آنها شده است.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌هایی که می‌تواند نشان بدهد روابط دو کشور پیشرفت کرده، کاهش تحریم‌های آمریکا علیه روسیه است، حال آن‌که عمده تحریم‌ها علیه روسیه در سال 2016 حفظ خواهد شد. معیار لغو تحریم‌ها همچنان همان توافق مینسک-2 است. مسکو تمایلی به اجرای عمده مفاد قرارداد مینسک-2 ندارد. به طور مثال روسیه حاضر به خروج کامل سربازان خود از شرق اوکراین و واگذاری کنترل آن به دولت مرکزی کی‌یف نیست. حتی در صورت تعلیق یا لغو برخی از تحریم‌های اروپا، تحریم‌های آمریکا به قوت خود باقی خواهد ماند.

ابعاد راهکار سیاسی برای حل بحران سوریه نیز مورد تردید جدی است. روسیه و آمریکا هر دو به شکل‌دهی به همکاری نظامی برای مبارزه با داعش برای شکست این گروه تروریستی بی‌میل هستند. هدف عمده روسیه در سوریه حفظ دولت بشار اسد در راس قدرت این کشور است.

حتی در صورت توافق و اجماع قدرت‌های بزرگ در مورد جنگ داخلی در سوریه و آینده سیاسی این کشور، قدرت‌های منطقه‌ای شامل ایران، ترکیه و عربستان ابزارهای نیرومندی برای تضعیف این اجماع در دست دارند. افزایش شکاف میان آنکارا و مسکو نیز یکی دیگر از چالش‌های پیش روی عادی‌سازی روابط است.

و در نهایت می‌توان گفت که تقویم سیاسی روسیه و آمریکا بیانگر احتمال بالای تعارض میان این دو قدرت است. همه نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا دیدگاهی رادیکال نسبت به روسیه دارند. در این فضا، انتظار افزایش سطح تعامل میان آمریکا و روسیه در سال آینده بعید به نظر می‌رسد.

روسیه نیز در سال آتی، انتخابات دوما را در پیش رو دارد. با فراگیر شدن غرب‌ستیزی در روسیه و محکوم کردن غرب برای وضعیت بد اقتصادی روسیه، انتظار می‌رود که دوما به دست مخالفان جدی غرب بیفتد.

واکنش مقامات روسی به تحقیقات نیروهای اپوزیسیون درباره موارد فساد دولتی نشان می‌دهد که مقامات روسی انجام این تحقیقات را به تحریک سی.آی.ای می‌بینند. بسیاری نیز معتقدند که در آینده سرکوب سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالین حقوق بشر در روسیه بیشتر خواهد شد.

بنابراین، شرایط حاکم نشان می‌دهد که دیالوگ میان غرب و روسیه تا چه اندازه دشوار است.